



بیانه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت چهل و سومین سالگرد نبرد حماسی سیاهکل

## خورشید زنده است در سیاهکل

کارگران، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی!

با فرا رسیدن ۱۹ بهمن، سازمان ما چهل و سه سال حیات سیاسی خود را که آکنده از مبارزه و حماسه آفرینی در راه آزادی و سوسیالیسم است، پشت سر می گذارد. بیش از چهار دهه از نبرد حماسی سیاهکل در نوزده بهمن ۴۹ گذشت. حماسه آفرینان سیاهکل گرچه خود در یک نبرد نابرابر از پای درآمدند، اما آنان آغازگر مبارزه ای بودند که دوره نوینی را به روی جنبش کمونیستی گشود و یاد و نام این رفقا را جاودانه ساخت. اقدام شجاعانه رفقای ما در چهل و سه سال قبل منشاء چنان اثری در جامعه ایران گشت که در قلب توده های کارگر و زحمتکش جای گرفت و حماسه سیاهکل به رویدادی ماندگار تبدیل شد. از این رو ۱۹ بهمن دیگر صرفاً سالروز نبرد قهرمانانه رفقا و بنیان گذاران سازمان ما نیست، بلکه سالروز نبردی حماسی در تاریخ سراسر مبارزه توده های کارگر و زحمتکش ایران است.

سازمان ما ۴۳ سال پیش و تحت شرایط مشخص داخلی و بین المللی پایه عرصه حیات نهاد. در سالهای دهه چهل، جنبش کمونیستی ایران با یک بحران نظری و عملی روبرو بود. این بحران اگرچه در اساس محصول شرایط داخلی بود، اما بحران جهانی جنبش کمونیستی نیز بر آن تاثیر گذاشت و آن را تشدید می کرد. رژیم شاه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و سرکوب سازمان های سیاسی، حزب توده و اتحادیه های کارگری، توانسته بود دیکتاتوری و اختناق بی مانندی را بر مردم تحمیل کند. دیکتاتوری عریان و عنان گسیخته شاهنشاهی، کنترل شدید مراکز تولیدی و کارخانه ها و کل جامعه توسط ساواک، همراه با رفرم ارضی و رونق نسبی اقتصادی که در اوائل دهه چهل بوجود آمد، تا حدی از تشدید تضادها و از دامنه اعتراضات خودانگیخته کارگران کاست. گرچه بساط حزب توده برچیده شد، اما تاثیرات بسیار مخرب این حزب به ویژه در جنبش کارگری باقی ماند. هرچند حزب توده نه در عمل و نه به حساب برنامه، هیچگاه یک حزب کمونیستی نبوده است، اما تمام اقدامات، نظرات، شکست ها، خرابکاری ها و خیانت های آن به ناروا به پای کمونیسم نوشته می شد. سیاستها، عملکردها، سازشکاری و خیانت های این حزب، لطامت جدی بر جنبش کارگری و کمونیستی وارد نمود و آن را درنزد توده های کارگر و زحمتکش بی اعتبار ساخت. با سابقه ای که از این حزب و عملکرد آن در ذهن کارگران نقش بسته بود، کار کمونیستی در میان کارگران نه فقط مورد استقبال قرار نمی گرفت، بلکه هرگونه صحبتی از کمونیسم با تحقیر کارگران همراه میشد. مجموعه این شرایط، گرایش به کمونیسم و فعالیت کمونیستی را محدود می ساخت و به جو یاس و بدبینی دامن می زد.

اما با تشدید تضادها و کاهش اثرات رفرم شاهانه در نیمه دوم دهه چهل، گروه ها و محافل کمونیستی نیز آغاز به رشد می کنند. آگاه ترین و پیشروترین افراد، عموماً از میان دانشجویان و در مواردی از میان کارگران، گرد هم می آیند که در عین مطالعه متون مارکسیستی و شرکت در فعالیت های مبارزاتی، به کنکاش برای برون رفت از وضعیت موجود می پردازند. سوال بزرگی که در آن مقطع در برابر کمونیست ها و انقلابیون واقعی قرار داشت این بود که چه باید کرد؟ چگونه باید بر تشنگی نظری، پراکندگی و بی عملی در میان محافل و گروه های چپ غلبه کرد؟ معضل ارتباط با کارگران و ایجاد حزب طبقه کارگر را چگونه باید حل کرد؟ تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پس از رفرم ارضی را چگونه باید تبیین کرد؟

به این چه باید کرد و پرسش های حیاتی باید پاسخ های روشن و مشخص داده می شد و پاسخ دهندگان به آن، کسان دیگری جز رفقای بنیانگذار سازمان ما نبودند. رفقای ما بعد از سال ها کار و تلاش و پس از مطالعه و شناخت دقیق شرایط عینی و تحلیل مشخص از شرایط مشخص ایران و همچنین مطالعه تجارب انقلابات روسیه، چین، کوبا و نیز تجارب جنبش مسلحانه در ویتنام، خاورمیانه و آمریکای لاتین بود که با شلیک گلوله های آتش و آگاهی در سیاهکل، پرچم مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم را برافراشتند و راه برون رفت از وضعیت آن روز را نشان دادند. کم نبودند محافل کتابخوانی و گرایش های نظری دیگری که پیرامون شرایط سخن می گفتند و یا حتی از وضع موجود انتقاد می کردند، اما اینان یا شناخت درستی از شرایط مشخص نداشتند و یا فاقد جسارت انقلابی برای اقدام و تغییر بودند و در نهایت بی عملی را تئوریزه می کردند. کتابخوانی و سیروسلوک در متون مارکسیستی و حتی انتقاد از وضع موجود به تنهایی کافی نبود و هیچ معضلی را حل نمی کرد. اسلحه نقد جای خود را می بایستی به نقد اسلحه می داد و "دستی باید سلاح بر روی کتاب می نهاد". خروشی که از سیاهکل برخاست، پاسخ به این ضرورت بود. بنابراین سیاهکل و آغاز جنبش مسلحانه فدائیان، غرش رعد در آسمان بی ابر نبود. محصول شرایط مشخص آن روز و یگانه پاسخ درست و انقلابی برای تغییر بود. سیاهکل، قاطع ترین پاسخ به تئوری پردازان بی عملی، پایان یک دوران سردرگمی و انفعال و بحران در جنبش کمونیستی ایران بود و آرامش و ثبات رژیم شاه و افسانه قدر قدرتی آن را نیز در هم شکست. سیاهکل آغاز راهی بود که توانست بخش وسیعی از نیروهای انقلابی و آگاه اعم از کارگران، دانشجویان و روشنفکران را حول یک روش معین مبارزاتی سازماندهی کند و رکود و بی حرکتی در میان نیروهای انقلابی و سیاسی را در هم بشکند. چنین بود که جنبش مسلحانه نه فقط به لحاظ نظری و عملی به اصلی ترین محور تشکل کمونیست ها تبدیل گردید، بلکه ذهنیت منفی نسبت به کمونیسم و جریانات کمونیستی را در هم شکست و به تدریج اعتماد سیاسی توده های کارگر و زحمتکش را نیز احیا و جلب نمود.

رژیم شاه گرچه با کشتار و اعدام صدها تن از رفقای ما و زندانی کردن صدها فدائی دیگر، همچنین با راه اندازی تبلیغات گسترده علیه سازمان، دروغ بافی پیرامون نابودی چریک فدائی و یا "خرابکار" خواندن به قصد بدنام کردن در میان کارگران و زحمتکشان، همه توان خود را به کار بست تا سازمان را نابود و از نزدیک شدن و پیوستن کارگران و جوانان و دانشجویان، به سازمان جلوگیری به عمل آورد، اما توفیقی

شماره پیامگیر در اروپا: ۰۱۶۱۸۶۲۲۴۰۱ (۰)۰۰۳۱

نشانی ما روی اینترنت: [www.fadaian-minority.org](http://www.fadaian-minority.org) آدرس الکترونیکی ما: [info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

نصیبش نشد. مبارزه سازمان ما به عنوان یک سازمان مارکسیست – لنینیست برای آزادی و سوسیالیسم که از ۱۹ بهمن ۴۹ در سیاهکل آغاز شد در سالهای بعد از آن نیز با استواری، فداکاری و از خودگذشتگی رفقای ما ادامه یافت.

از آنجا که سازمان ما یک سازمان رزمنده، فعال و انقلابی بوده است، در پروسه حرکت و در مسیر رشد و پیشروی خود، پیوسته با مسائل نوینی روبرو می‌شد. جریان مبارزه واقعی، پرسش‌های جدیدی را در برابر سازمان قرار می‌داد. فشار واقعیت‌ها و اعتقاد راسخ به یک مبارزه جدی، سازمان را و ما داشتن ضمن جمع‌بندی از مبارزات، به نقطه ضعف‌های عملی و اشکالات نظری خود برخورد کند. پس از آن‌که رفیق حمید اشرف در جمع‌بندی خود از مبارزات سازمان نوشت "دوره عملیات بزرگ به پایان رسیده و ما وارد مرحله کارهای کوچک با اهمیت بزرگ شده ایم" سازمان نیز عملیات نظامی خود را باهدف گسترش فعالیت تبلیغی - ترویجی و سازمان‌دهی محدود می‌کند. در جریان مبارزه است که سازمان تئوری‌های خود را صیقل می‌دهد و جهت‌گیری کارگری خود را نیز تقویت نموده و آن را گسترش می‌دهد. این آغاز مرحله گذار از فعالیت چریکی به کار توده‌ای در میان کارگران است. فعالیت توده‌ای و رفتن کادرهای سازمان به درون کارخانه‌ها، گام و تلاش مهمی در راستای تحقق اهداف طبقاتی سازمان بود. با این پیشینه است که سازمان وارد سال‌های ۵۶ و ۵۷ می‌شود. رفقای سازمان و انبوه وسیع هوادارانی که آماده پیوستن به سازمان بودند، در تظاهرات خیابانی فعالانه شرکت نموده و در قیام ۲۲ بهمن ۵۷ نیز به عنوان پیشرو اولان آغاز قیام توده‌ای نقش مهم و منحصر به فردی ایفا می‌کنند.

صرف نظر از آن که در سالهای قبل از قیام تعداد زیادی از آگاه‌ترین و پیشروترین روشنفکران انقلابی و کارگران آگاه به صفوف سازمانی که نطفه‌اش در سیاهکل بسته شد پیوستند و سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران از محبوبیت و نفوذ زیادی در میان مردم برخوردار گردید، ده‌ها هزار کارگری که پس از سقوط شاه به سازمان روی آوردند نشان داد که سازمان ما جای خود را در میان کارگران و زحمتکشان باز کرده و آرمانهایش جدا از آرمان‌های طبقه کارگر نبوده است. بی‌هوده نبود که سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران به بزرگترین سازمان کمونیستی در خاورمیانه تبدیل شد و تنها چند ماه پس از قیام به یک آلترناتیو جدی در جامعه تبدیل گردید به نحوی که تمام تلاش ارتجاع اسلامی برای جلوگیری از رشد و پیشرفت آن با شکست روبرو گردید.

### کارگران، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی!

تاکید بر نقش برجسته حماسه سیاهکل و تاکید بر نقش و اهمیت مبارزه سازمان، به معنای نادیده انگاشتن ضعفها، اشتباهات و یا انحرفات نظری و عملی سازمان نیست. این واقعیتی است که یک گرایش انحرافی و عموم خلقی در سازمان ما وجود داشت. این گرایش اما در شرایط حاد مبارزه و وجود یک رهبری توانا به ویژه حضور کمونیست و رهبر برجسته سازمان رفیق حمید اشرف، مجال رشد و تبدیل به یک جریان تأثیرگذار بر مواضع نظری و پراتیک انقلابی سازمان پیدا نمی‌کرد. پس از ضربات سنگین ساواک در سالهای ۵۴ و ۵۵ بر سازمان و جان باختن برجسته‌ترین کادرها و رهبری سازمان و رفیق کبیرحمید اشرف، سازمان ما به نوعی از هم‌گسیختگی تشکیلاتی دچار گردید و از یک رهبری توانا محروم شد. این ضربات، به تردید و تزلزل در میان عناصر ناپایدار کمک کرد و زمینه رشد گرایش عموم خلقی در درون سازمان را هموارتر ساخت. افزون بر این، در حالیکه اوضاع سیاسی پس از قیام، تاکتیک‌های جدیدی را طلب می‌کرد، سازمان فاقد چنین تاکتیک‌هایی بود و تاکتیک‌ها و مواضع گذشته سازمان نیز پاسخگوی شرایط جدید نبود. سازمان در این مقطع فاقد انسجام نظری، فاقد یک برنامه مدون و مشخص، فاقد تاکتیک‌های منسجم پرولتاری و بالاخره فاقد یک تشکیلات مبتنی بر اصل سانترالیزم دمکراتیک بود. بر متن چنین شرایطی است که گرایش عموم خلقی در درون سازمان رشد می‌کند و به یک جریان اپورتونیست – رویزیونیست تبدیل می‌شود و درست در زمانی که سازمان به یک جریان قدرتمند با پایگاه وسیع توده‌ای تبدیل شد و یورش‌های پی‌در پی ارتجاع حاکم به سازمان و دفاتر علنی آن برای جلوگیری از رشد و پیشرفت و گسترش نفوذ آن با شکست روبرو شده است، بزرگترین ضربه توسط گرایش راست و رفرمیست اکثریت کمیته مرکزی به سازمان وارد می‌شود، در خرداد ماه سال ۵۹ انشعاب بزرگ در سازمان رخ می‌دهد. جناح اپورتونیست سازمان یعنی اکثریت، آشکارا جانب بورژوازی و پذیرش مواضع حزب توده را گرفت و به همکاری با ارتجاع اسلامی روی آورد و جناح انقلابی سازمان یعنی اقلیت در سمت کارگران و زحمتکشان ماند و ضمن دفاع از مارکسیسم و سنت‌های انقلابی کمونیستی سازمان منجمله در مورد مرزبندی با حزب توده، به مبارزه‌ای تمام عیار علیه رژیم سرمایه‌داری حاکم ادامه داد. به رغم یورش‌های وحشیانه رژیم علیه جناح انقلابی سازمان و به رغم فشارهای فزاینده پلیسی و امنیتی، اقلیت توانست نخستین کنگره خود را در آذرماه سال ۶۰ برگزار نموده و فعالیت سازمان پس از انشعاب و نقاط ضعف و قوت این فعالیت‌ها را مورد ارزیابی قرار دهد. این کنگره در عین حال خط‌مشی سیاسی، استراتژی و تاکتیک‌های سازمان را مشخص ساخت و چندین قطعنامه در این ارتباط تصویب نمود. در حالیکه سازمان‌دهی مجدد تشکیلات در دستور کار سازمان قرار داشت، اما رژیم جمهوری اسلامی حملات گسترده و متمرکزی را علیه سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران (اقلیت) سازمان داد. بحث‌های درونی اقلیت در این مقطع، بر سر برنامه و تاکتیک‌ها نشان داد که در این زمینه نظر واحدی در بین نیروهای اقلیت وجود ندارد. گروهی از کسانی که زمانی در برابر اکثریت، در صفوف اقلیت گرد آمده بودند، حاضر به اتخاذ مواضع مارکسیستی نشده و از سازمان کناره‌گیری کردند. برخی از آنها بعدها به اپوزیسیون بورژوازی پیوستند. به‌رغم این، اقلیت در سخت‌ترین شرایط پلیسی و سرکوب، به مبارزه ادامه داد. در فاصله سالهای ۶۰ الی ۶۴ صدها تن از فدائیان اقلیت یا در درگیری مسلحانه جان باختند، یا به جوخه اعدام سپرده شدند و هزاران تن دیگر دستگیر و زندانی شدند. همراه با ضربات مداوم رژیم در طول این سالها، سازمان با بحران‌های تشکیلاتی نیز روبرو گردید که به جدایی گروهی از اعضای سازمان در سالهای ۶۱، ۶۴ و ۶۶ انجامید.

واقعیت این است که سازمان ما در این دوره در پی هر ضربه‌ای که به آن وارد میشد، سریعاً به سازمان‌دهی مجدد و کشاندن نیرو به عرصه مبارزه می‌پرداخت. سازمان ما بیش از آنکه در فکر ایجاد یک تشکیلات مستحکم و ادامه کار در میان کارگران باشد، در پی گسترش سطحی و بی‌رویه تشکیلات و در پی آن بود که خود را در عرصه سیاسی فعال نشان دهد. این شیوه فعالیت و سبک کار، بری از متانت در سازمان‌دهی، دور از آینده‌نگری و افتادن در دام حرکات لحظه‌ای و مقطعی و یکی از عوامل مؤثر ضربات سازمان در این سالها بود. نخستین کنفرانس سازمان که در سال ۶۶ برگزار شد، برنامه و اساسنامه سازمان را تصویب نمود و ضمن تاکید بر تأثیرات منفی و مخرب تفکرات محفلی و گریز از مرکز و نیز سانترالیسم یک‌جانبه، این سبک کار و توسل به شیوه‌های بوروکراتیک برای حل اختلاف درونی را قویاً به نقد کشید.

علیرغم تمام مشکلات و موانعی که بورژوازی و عمال آن در سالیان گذشته بر سر راه مبارزه ما قرار داده است، اما سازمان فدائیان اقلیت حتا در دشوارترین لحظات، استوار و شکست ناپذیر ایستاده است و بر مواضع مارکسیستی - لنینیستی خود و دفاع از منافع کارگران پای فشرده است. فدائیان اقلیت حتا یک لحظه از مبارزه برای تحقق آرمان های بنیان گذاران سازمان و حماسه آفرینان سپاهک یعنی آزادی و سوسیالیسم باز نایستاده اند. سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن تاکید بر نیاز جامعه به آزادی های سیاسی برای تغییر و تحول و پیشرفت، همواره بر این موضع تاکید نموده است که آزادی واقعی، جزئی جدائی ناپذیر از برابری سوسیالیستی است. زمانی می توان از آزادی واقعی سخن گفت که هر گونه ستم و استبداد و استثمار برافتد و شرایط شکوفایی مادی و معنوی هر فرد انسانی فراهم گردد و این جز با یک انقلاب اجتماعی کارگری و دگرگونی بنیادی تمام مناسبات اقتصادی و اجتماعی موجود میسر نیست. با چنین درکی از رابطه جدانپذیر آزادی و سوسیالیسم است که این شعار از همان آغاز موجودیت سازمان بر پرچم آن حک شد و سازمان فدائیان (اقلیت) برای تحقق این شعار همچنان به مبارزه ادامه می دهد. سازمان فدائیان (اقلیت) یک سازمان کمونیستی و پایبند به کمونیسم است که باتمام توان خویش از منافع طبقه کارگر و از موضع این طبقه از منافع عموم توده های زحمتکش و ستمدیده دفاع می کند. ما فدائیان اقلیت اعتقاد راسخ داریم که راه حل تضاد ها و بحران های جامعه سرمایه داری ایران، یک انقلاب اجتماعی است. انقلابی که هدف نهائی آن الغای طبقات و استقرار نظامی کمونیستی متشکل از انسان های آزاد و برابر است. نخستین گام این انقلاب، سرنگونی بورژوازی از اریکه قدرت و استقرار دولت شورائی کارگران و زحمتکشان است. رژیم جمهوری اسلامی، رژیمی سرکوبگر، ضدانسانی و فوق ارتجاعی است که باید سرنگون شود و جای خود را به یک رژیم انسانی و سوسیالیستی بسپارد. فوری ترین وظیفه ای که اکنون در برابر ما قرار دارد، تلاش برای تشکل و تحزب طبقه کارگر و ارتقاء آگاهی کارگران است. ایجاد تشکل های کارگری به ویژه از نوع کمیته های مخفی کارخانه یکی از ضرورت های کنونی جنبش کارگری است که در شرایط اعتلاء جنبش، به کمیته های اعتصاب تبدیل می شوند. اعتصاب، مهم ترین تاکتیک مبارزاتی کارگری است. درکنار کاربست دیگر اشکال مبارزه کارگری چون تظاهرات و راهپیمائی، باگسترش اعتصابات کارگری، سراسری شدن این اعتصابات و گذار به اعتصاب عمومی سیاسی است که باید رژیم حاکم را فلج و مسیر براندازی آن را هموار ساخت. رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه سرنگون ساخت. تمام دستگاه دولتی را باید درهم شکست و برویرانه های آن حکومت شورائی را مستقر ساخت. حکومت شورائی تنها آلترناتیو انقلابی کارگران و زحمتکشان است که با تامین وسیع ترین و کامل ترین آزادی های سیاسی و با انجام یک رشته اقدامات فوری و انتقالی، گذار به سوسیالیسم را تسهیل می کند.

سازمان فدائیان (اقلیت) در چهل و سومین سالگرد نوزده بهمن ۴۹، یاد حماسه آفرینان سپاهک، بنیانگذاران و جانفشانان سازمان را گرامی می دارد و یکبار دیگر با تمام رفقایی که در راه آزادی و سوسیالیسم و تحقق آرمان های طبقه کارگر از جان خویش گذشتند، پیمان می بندد که تا پیروزی نهایی طبقه کارگر به مبارزه ادامه خواهد داد. خورشیدی را که در آسمان تیره سرکوب و اختناق شاهنشاهی بردمید و در سپاهک طلوعه زد، تا تحقق آرمان ستارگان پر فروغی که در ظلمات دو نظام سلطنتی و جمهوری اسلامی درخشیدند و به زیرکشیده شدند، غروب و خاموشی نیست. خورشید زنده است در سپاهک.

**گرامی باد ۱۹ بهمن سالگرد حماسه سپاهک**  
**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی**  
**زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم.**  
**سازمان فدائیان (اقلیت) - بهمن ۱۳۹۲**